گزارش یک

استفاده از پساب فاضلاب تصفیه‌شده شهر «ورزنه» تنها گزینه چاره‌ساز است

احیای تالاب «گاوخونی»، معطل ۳۰ کیلومتر لوله‌گذاری

سمیه قنبری

چندسالی است که اصفهان چهره عوض کرده؛ شهری بدون درختان چنار، نارون و پرندگان مهاجر. این‌روزهای اصفهان برای خیلی از کودکان با آنچه بزرگ‌ترهایشان از اصفهان می‌شناختند، بسیار متفاوت است. زمستان که می‌شد تفریح کودکان اصفهانی دادن نان بود به هزاران‌هزار پرنده مهاجری که زاینده‌رود و تالاب گاوخونی استراحتگاه‌شان بود برای رسیدن به بهار، اما با خشک‌شدن زاینده‌رود و تالاب، نه از پرندگان مهاجر خبری است و نه از کودکانی که این‌روزها مجبورند غروب‌های زمستان را به‌دلیل بالابودن میزان آلاینده‌های هوا و قرار گرفتن در شرایط هشدار، در خانه بمانند؛ کودکانی که علاوه بر پرندگان مهاجر باید خاطره درختان چنار و نارون را نیز به‌دلیل آلودگی هوا در پس ذهنشان بایگانی کنند.

اما این همه ماجرا نیست؛ هستند مسوولانی که عزم خود را جزم کرده‌اند تا علاوه بر کنترل آلودگی هوا، تالاب بین‌المللی گاوخونی را دوباره احیا کنند. نمونه‌اش جلساتی است که سال گذشته با عنوان احیای تالاب با حضور نمایندگانی از سازمان محیط‌زیست استان، شرکت آب منطقه‌ای، شرکت آب‌وفاضلاب، جهاد کشاورزی و گروهی از استادان دانشگاه به میزبانی ستاد بحران استان برگزارشد. به‌گفته منصور شیشه‌فروش، مدیرکل ستاد بحران استانداری اصفهان، خروجی این جلسات تهیه طرحی با عنوان «استفاده از پساب تصفیه‌شده فاضلاب برای مرطوب نگه‌داشتن بستر تالاب» بود.

احتمالا این طرح در جلسات احیای تالاب با حضور همه اعضا مطرح و پیشنهاد شده بود اما گویا کسی جز مدیرکل ستاد بحران استان از آن اطلاع ندارد. شیشه‌فروش خردادماه سال‌جاری اعلام کرد که طرح استفاده از پساب تصفیه‌شده فاضلاب در مراحل پایانی مطالعات است و از اواخر خردادماه، با توجه به شرایط بحرانی تالاب و تبدیل‌شدن آن به کانونی برای تولید گردوغبار، پیگیری‌ها برای تخصیص اعتبار و آغاز مراحل اجرای آن انجام می‌شود.

پس از گذشت هفت‌ماه از آخرین اظهارنظر مدیرکل ستاد بحران استانداری اصفهان درباره مراحل اجرای طرح احیای تالاب گاوخونی، منصور شیشه فروش در پاسخ به سوال «شرق» درخصوص پیشرفت مراحل کار، می‌گوید: «با توجه به اینکه محیط‌زیست متولی امور تالاب‌هاست گزارش اقدامات انجام شده درخصوص تالاب را از آن بخواهید.» با این حال به گفته شیشه فروش، به‌دلیل استمرار خشکسالی، در حال حاضر تالاب گاوخونی با وسعتی حدود ۴۳هکتار یکی از کانون‌های تولید گردوغبار برای شهر اصفهان و استان‌های شرقی است.

مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان اصفهان نیز با وجود اینکه یکی از اولویت‌های این اداره را احیای تالاب گاوخونی و کنترل ریزگردها اعلام می‌کند، در پاسخ به اقدامات انجام شده درخصوص اجرایی‌کردن طرح استفاده از پساب تصفیه‌شده فاضلاب برای مرطوب نگه‌داشتن بستر تالاب، می‌گوید: «این موضوعی است که تنها در حد یک ایده مطرح شده و تاکنون این اداره در این مورد درخواست یا طرح مکتوبی از استانداری اصفهان دریافت نکرده است.» کیومرث کلانتری می‌گوید: «سازمان آب منطقه‌ای موظف به تامین حقابه تالاب است، اولویت اول هم تامین حقابه از طریق جریان آب در بستر رودخانه است.»

برخی از منتقدان می‌گویند اکنون به‌دلیل خشکسالی تامین حقابه از طریق جریان آب در بستر رودخانه تقریبا غیرممکن است، بهتر است گزینه‌های دیگری برای جلوگیری از کاهش آلودگی هوا و مقابله با ریزگردها در دستور کار قرار بگیرد، اما کلانتری می‌گوید: «خواست محیط‌زیست تامین حقابه تالاب است.» اگر قرار باشد این حقابه از طریق پساب تصفیه‌شده تامین شود، در صورتی که ضوابط و قوانین محیط‌زیست درخصوص پساب تصفیه شده رعایت شود و این پساب در ورودی تالاب به محیط‌زیست تحویل داده شود، می‌توان این گزینه را به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های احیای تالاب بررسی کرد.

اما با توجه به اینکه فعالیت محیط‌زیست فعالیت نظارتی است و نه اجرایی، در صورتی که استانداری یا مدیریت آب منطقه‌ای به‌عنوان متولی توزیع آب در استان طرحی را پیشنهاد دهد، در صورت مغایرت نداشتن با قوانین، سازمان محیط‌زیست به‌عنوان میزبان آن را قبول می‌کند.

وحید حقیقی، مدیر روابط عمومی شرکت آب منطقه‌ای استان اصفهان نیز درباره طرح استفاده از پساب برای مرطوب نگه‌داشتن تالاب گاوخونی می‌گوید: «سازمان محیط‌زیست یا شرکت آب و فاضلاب که باید در بحث استفاده از پساب متولی باشند، تاکنون هیچ درخواستی برای استفاده از پساب شهر ورزنه نداده‌اند، اما با توجه به شرایط بحرانی تالاب و آلودگی هوای اصفهان در صورت وجود درخواست برای استفاده از پساب شرکت درخصوص تامین پساب فاضلاب به سرعت اقدام خواهد کرد.»

گویا با گذشت یک‌سال از مطرح شدن طرح استفاده از پساب تصفیه‌شده شهر «ورزنه» برای مرطوب نگه‌داشتن بستر تالاب بین‌المللی گاوخونی، مسوولان استان با وجود وضعیت بحرانی استان درخصوص آلودگی هوا، اطلاع چندانی از این طرح ندارند و هر سازمان دیگری را مسوول پیگیری می‌داند؛ طرحی که به گفته مجتبی قبادیان، معاون بهره‌برداری شرکت آب‌وفاضلاب استان اصفهان، از نظر فنی قابل اجراست. قبادیان با بیان اینکه در حال حاضر بیش از ۹۰درصد شهر ورزنه دارای سیستم شبکه فاضلاب است، می‌گوید: «می توان با حدود ۳۰کیلومتر لوله‌گذاری، فاضلاب شهر ورزنه را به تالاب انتقال داد.» او معتقد است با انجام لوله‌گذاری می‌توان هر ثانیه ۳۰ تا ۴۰لیتر فاضلاب تصفیه‌شده را وارد تالاب کرد؛ فاضلابی که می‌تواند خاک را مرطوب نگه‌داشته و مانع تولید ریزگرد شود.

اسماعیل کهرم، بوم‌شناس و فعال محیط‌زیست نیز از نظر زیست‌محیطی اجرای این طرح را عملی می‌داند و می‌گوید: «با توجه به استمرار خشکسالی در اصفهان استفاده از پساب تصفیه‌شده فاضلاب می‌تواند تنها راه و یکی از بهترین گزینه‌ها برای احیای تالاب باشد.» کهرم معتقد است این الگویی است که در بسیاری از کشورهای صنعتی استفاده می‌شود و علاوه بر مرطوب نگه‌داشتن بستر تالاب با رشد نیزارها و گونه‌های گیاهی می‌توان دوباره شاهد بازگشت پرندگان مهاجر به تالاب گاوخونی بود.

مسوولان استان همگی متفق‌القول‌اند که می‌توان با احیای تالاب بین‌المللی گاوخونی، یکی از کانون‌های گردوغبار داخل را کنترل کرد اما طی یک‌سال گذشته هیچ سازمانی خود را مسوول پیگیری آن نمی‌داند و هرکس منتظر است تا دیگری اقدام کند. معلوم نیست پس از کوچ پرندگان مهاجر و خداحافظی چنار و نارون‌ها از شهر گنبدهای فیروزه‌ای و تجربه تنها چهار یا پنج‌روز هوای سالم در سال باید چه اتفاق دیگری بیفتد تا سازمانی خود را متولی بداند.

۴۳ هکتار

در حال حاضر تالاب گاوخونی با وسعتی حدود ۴۳هکتار یکی از کانون‌های تولید گردوغبار برای شهر اصفهان و استان‌های شرقی است

۹۰ درصد

بیش از ۹۰درصد شهر ورزنه دارای سیستم شبکه فاضلاب است

سال گذشته جلساتی با عنوان احیای تالاب با حضور نمایندگانی از سازمان محیط‌زیست استان، شرکت آب منطقه‌ای، شرکت آب‌وفاضلاب، جهاد کشاورزی و گروهی از استادان دانشگاه به میزبانی ستاد بحران استان برگزارشد. به‌گفته منصور شیشه‌فروش، مدیرکل ستاد بحران استانداری اصفهان، خروجی این جلسات تهیه طرحی با عنوان «استفاده از پساب تصفیه‌شده فاضلاب برای مرطوب نگه‌داشتن بستر تالاب» بود. احتمالا این طرح در جلسات احیای تالاب با حضور همه اعضا مطرح و پیشنهاد شده بود اما گویا کسی جز مدیرکل ستاد بحران استان از آن اطلاع ندارد.

با توجه به استمرار خشکسالی در اصفهان استفاده از پساب تصفیه‌شده فاضلاب می‌تواند تنها راه و یکی از بهترین گزینه‌ها برای احیای تالاب باشد

۳۰ کیلومتر

می توان با حدود ۳۰کیلومتر لوله‌گذاری فاضلاب شهر ورزنه را به تالاب انتقال داد

گزارشگر «شرق» در همه جای ایران باشید

سوژه‌ها و گزارش‌های خود را برای ما به ایمیل sharghline@sharghdaily.ir بفرستید یا به شماره ۳۰۰۰۴۶۹۹ پیامک بزنید یا با ۸۸۶۴۰۲۶۰ تماس بگیرید. «شرق» با کمک شما خواندنی‌تر می‌شود.

گزارش دو

ساعتی در نمایشگاه- موزه «فرهنگ و ادبیات دوران کودکی»

اسباب بازی قاجاری مقابل دیدگان کودکان «دیجیتال»

مرجان صائبی

هرچه به میدان بهارستان نزدیک‌تر می‌شویم، تعدادشان بیشتر می‌شود و رنگ‌به‌رنگ‌تر. دمِ ورودی مترو، محل قرار کودکانه‌شان است تا از «چیزکی» که تا حالا توی مترو و خیابان کاسب شده‌اند، فلافلی بخرند یا نخرند. می‌گویند و می‌خندند و اصلا حواسشان نیست که آن‌طرف‌تر، داخل باغ‌موزه «نگارستان»، بچه‌هایی از جنس خودشان منتظرند به صف، برای بازدید از یک نمایشگاه. کودکان کارند و زندگی‌شان نه با ساعت و تقویم بچه‌های عادی که با نبض بازار و زندگی «آدم‌بزرگ‌ها» می‌زند.

با ورود به باغ‌موزه نگارستان، همان بچه‌ها هستند اما این‌بار با کوله‌های یک‌شکل و نظم و ترتیب بیشتر. همزمان با کودکان کار منطقه مولوی به بازدید نمایشگاه و موزه فرهنگ و ادبیات دوران کودکی آمده‌ایم؛ بچه‌ها اما هنوز حواسشان نیست کجا آمده‌اند، از محوطه سرد و سبز باغ‌موزه می‌گذرند و داخل عمارت‌های قاجاری نگارستان می‌شوند؛ جایی که هزارویک اسباب‌بازی و کتاب و خاطره آرام نشسته‌اند تا کسی بیاید و غبار تنهایی‌شان را پاک کند. شاید خیلی مهم نباشد تاریخ ورود اسباب‌بازی به ایران و تاریخچه‌هایی که در همین‌باره می‌شود این‌ور و آن‌ور جست‌وجو کرد. بچه‌ها با اولین قدم‌هایی که داخل مجموعه نمایشگاه می‌گذارند، ژست فهمیدن به چهره می‌آورند و گوششان را می‌دهند به راهنمایانی که قدم‌به‌قدم با آنها مساحت عمارت را متر می‌کنند. خوبی نمایشگاه- موزه تاریخ فرهنگ کودکی اما بیشتر این است که خاطرات را زیرورو می‌کند. بعضی از غرفه‌ها و اتاق‌ها آنقدر زرق‌وبرق دارند که حواس این بچه‌های درگیر با زندگی و کار را بربایند و بعضی‌جاها هم کار از دست رفته. آنهایی که این موزه را راه انداخته‌اند، دنبال زنده‌نگه‌داشتن یک فرهنگ تاریخی بوده‌اند که شانه‌به‌شانه نسل‌ها، بازی و بازیچه (عروسک) را عجین زندگی بچه‌های ایران کرده و می‌کند و شاید هم سینه‌صاف‌کردنی باشد برای بازی‌های رایانه‌ای که کم‌کم دارد مغز میوه‌ها را می‌جود و قورت می‌دهد. در حین اینکه بچه‌ها مبهوت چیزهای عجیب‌وغریبی هستند که در اطرافشان می‌بینند، داستان این نمایشگاه- موزه هم رو می‌شود. بعد از سومین جشنواره بین‌المللی بازی و اسباب‌بازی در قزوین، دکتر مصطفی ده‌پهلوان که آن‌زمان معاون اداره کل موزه‌های فرهنگی- اجتماعی دانشگاه تهران بود و از فارغ‌التحصیلان رشته باستان‌شناسی، به این فکر افتاد که کودکان را وارد موزه‌ها کند و برای این کار، چه راهکاری بهتر از یک موزه- نمایشگاه از جنس بازی و سرگرمی. حالا هم با مشارکت موسسه پژوهش تاریخ و ادبیات کودکان، نمایشگاه و موزه فرهنگ و ادبیات دوران کودکی در باغ باصفای نگارستان افتتاح شده و فعلا قرار است شش‌ماه برای بازدید کودکان باز باشد. مکان نمایشگاه از متعلقات دانشگاه تهران است اما به‌جز این، هیچ کمک و حمایت خاصی در میان نبوده و نیست. بچه‌ها وارد تالارها می‌شوند؛ یکی بعد از دیگری. رفتارشان کمی تصنعی به‌نظر می‌رسد و واکنش‌هایشان در برابر راهنمایان کمی از پیش فکر شده. با این همه، در تالار «معین» می‌ایستند به تماشای اسباب‌بازی‌های عجیب‌وغریب که در عمرشان ندیده‌اند. یکی می‌پرسد: «این واقعا ماشینه؟» و با دستش به ماشینی حلبی در پشت ویترین اشاره می‌کند که اگرچه برای بچه‌های امروزی نامعلوم است اما احتمالا اعیان قاجار از همین‌ها می‌داده‌اند دست کاکل‌زری‌هایشان. ماشین‌های بازی، انواع تیروکمان‌ها و عروسک‌ها یک‌طرف و بازی‌های فکری جالب و ندیده هم یک‌طرف دیگر. در انتها، تالار باغچه‌بان قرار دارد. راهنما به بچه‌ها چیزی نمی‌گوید اما کجا می‌شود از زندگی معلمانه با بچه‌ها حرف زد و نام باغچه‌بان‌ها را قلم گرفت؟ تالار آنها پر است از کتاب؛ آنطور که آرزوی خود آقا معلم بود؛ منتها کتاب‌های صوتی و ابزارهای آموزشی ساخت دست خودش برای کودکانی که اختلال جسمی راه درس خواندنشان را سد کرده بود. اما کودکان کار مولوی را این چیزها از درس و مدرسه نینداخته؛ آنچه آنها را روانه خیابان و مترو و کارگاه‌ها کرده، غم نان است و نمی‌گذارد که خیلی دقیق شوند در چیزی که فکر می‌کنند ربطی به آنها ندارد. دیدن آن‌همه ننو و لوازم خواب لوکس برای بچه‌های کار، لابد غم‌انگیز است. شاید هم خودشان را تطبیق داده‌اند با این شکاف‌ها. سالن قاجاریه موزه اما این شکاف‌ها را فریاد می‌زد و بچه‌ها ساکت‌تر و حواس‌پرت‌تر گاه به بازوبندها و کلاه‌های ترمه مانکن‌های داخل ویترین خیره می‌شدند و گاه نگاهشان می‌رفت سمت نظرقربانی‌ها و چشم‌زخم‌هایی که به عروسک‌ها وصل بود. در ادامه مسیر اما نمایشگاه بیشتروبیشتر به موزه‌ای بدل می‌شد که قرار بود کار فرهنگی کند منتها نه برای کودکانی با سن و سال و روحیاتی که در آن وارد شده‌اند؛ یعنی کودکان کار خیابان مولوی. کم‌کم پای نمایش فیلم وسط کشیده شد و بعد هم نشاندن بچه‌ها در یک مکتبخانه بازسازی‌شده اما اندکی باسمه‌ای. بچه‌هایی که فرزندان خلف نسل موبایل و تبلت هستند، حالا بی‌آنکه درست بدانند چرا مجانی به دیدار این چیزهای عجیب‌وغریب آمده‌اند، نشستند پای درس ملای فرضی در مکتبخانه بزک‌شده و تازه بعد از آن هم نوبت آموزش چاپ سنگی و عیدی‌کاری بود که خودش ۱۰سالی عمر برای آموزش می‌خواهد. احترام سازندگان موزه به بزرگانی چون صمد بهرنگی، پروین دولت‌آبادی و مهدی آذریزدی، در محوطه بیرونی طبقه دوم تالار باغچه‌بان خودش را نشان داد؛ آنجا که دیوارها با شعرها و جملات این نویسندگان پر شده بود اما توضیحات یک‌خط‌درمیان و چشم‌های بی‌علاقه بچه‌ها کار خودش را کرد و نشد که هرکدامشان با نام یکی از این چهره‌ها از موزه بیرون بروند. کمی جلوتر، دو ماکت از قصه‌های قدیمی انتظار بچه‌ها را می‌کشید با این موسیقی که «بیا بیا، بیرون بیا، از دل خاک بیرون بیا...». بچه‌ها با شنیدن این ترانه و رنگ‌های دکور، کمی لپ‌های سرمازده‌شان گل انداخت و حتی در بعضی از بیت‌ها، مربیان موزه را هم همراهی کردند. خودش افتخاری بود که بالاخره در این سکانس دیدار، نصیب موزه شد. پایان‌بندی ماجرا اما مثل همیشه اتفاق افتاد؛ دم‌بریده و نامعلوم. بچه‌هایی که برای دیدار از این نمایشگاه بلیت رایگان از طرف خیرین در اختیارشان گذاشته شده بود، با کوله‌های آرم یک شرکت تولیدکننده لوازم الکترونیکی کره‌ای داخل شدند، تغذیه‌ای نوش‌جان کردند و بعد از یک راهپیمایی دوساعته در تالارها، باغ نگارستان را ترک کردند به سمت همان امروز و فردای نامعلومی که دارند. قرار بود موزه به آنها از روزگاران دور آموزش دهد، به آنها تاریخ عروسک و ماشین اسباب‌بازی را بگوید، بگوید که چطور آموزش به کودکان در طول این سال‌ها تغییر کرده و... اما برای بچه‌هایی که فردا دوباره به داخل کوپه‌های مترو برمی‌گردند برای دست‌فروشی و تا به حال فرصت تحصیل پیدا نکرده‌اند؟ یا بچه‌هایی که یک‌ساعت خستگی‌درکردن و ول‌چرخیدن برایشان می‌ارزد به ساعت‌ها بازدید از موزه؟ کسی نمی‌داند. همه راضی‌اند؛ از تولیدکننده لوازم خانگی کره‌ای تا مسوولان باغ نگارستان. شاید باید از صمد پرسید، شاید از دولت‌آبادی و شاید هم باغچه‌بان که زندگی‌شان نفس‌به‌نفس با بچه‌ها بود و حالا در موزه ساکن شده‌اند.

جدول ۱۸۹۸

افقی:

۱- بازیگر جوان و خانم که با بازی در نقش «یلدا» در سریال «دلنوازان» به شهرت رسید- عمل و سخنی برای سپاسگزاری ۳- نام علمی «رباط» که متصل‌کننده استخوان‌ها به ماهیچه‌هاست- پادشاهی ۳- آسیب و صدمه- بیعانه- از القاب حضرت فاطمه(س) - کارگاه جولاهی ۴- سرسرا- سودای ناله- غیرموقت- جوانمرد ۵- خودرو سنگین بزرگ برای تراز یا مسطح کردن زمین- وسیله جابه‌جایی اجسام سنگین- قلعه و حصار ۶- دوستی- شبانگاه - ویرانگر ۷- کندوی زنبورعسل- وقار- اهل کشور بیگانه ۸- گلی از گل‌های بهشت است ۹- برگه‌دان- برتر یا بهتر از همه- نوعی پارچه نرم و لطیف ساخته‌شده از ابریشم طبیعی یا مصنوعی ۱۰- کم‌خونی- جادوی برف و باران- مثل و مانند ۱۱- یار کلیله- کمان حلاجی- باغ گل و میوه ۱۲- از ابزار درودگری- نبات- از آن وارد می‌شویم- خاک گور ۱۳- عموی تازی- جوهر مازو- زین‌ساز- تلاش و کوشش ۱۴- چراغی دارای یک یا چند حباب- نامی برای ایالات‌متحده آمریکا ۱۵- امتحان- سردار ایرانی که در مقابل اسکندر مقدونی ایستادگی کرد.

عمودی:

۱- پستاندار شکاری از تیره گربه‌سانان با پاهای دراز و دم کوتاه- بسیار خوب و مرغوب ۲- دوره فوق‌دیپلم- اسرارآمیز ۳- فرمان هنری! - درخشان- دوش و کتف- کشنده بی‌صدا ۴- از مشتقات نفت‌خام- وحشی- نوعی کلاه بی‌لبه به شکل مخروط ناقص- از حروف الفبای یونانی ۵- بارش تند، ناگهانی و کوتاه- داروی روغنی مالیدنی- ارابه ۶- پوچ و بیهوده- شهری در کشور خروس‌ها- سوگند ۷- بت‌پرست- عطر مایه- اثری ادبی از «امیل زولا» نویسنده فرانسوی ۸- واحد پول ژاپن- هتاک و دشنام‌گو- لنگه ۹- نژاد- هر اتفاقی که پیش‌بینی نشده است- پرنده‌اش سرد کن! ۱۰- بدل وضو- دوات- خیاط ۱۱- عنصری با ترکیبات سمی که در آبکاری برقی به‌کار می‌رود- جاوید- آفرین و احسنت ۱۲- واحد شمارش کاغذ- شایسته تر- فلز سرخرنگ- پهلو و کنار ۱۳- حرف ندا- از فرزندان یعقوب(ع) - تیز بُر- مساوی ۱۴- غذای ظهر- سندی که در آن مشخصات محموله، وسیله حمل و نام فرستنده و گیرنده را می‌نویسند ۱۵- زندان در زبان گفتاری- زخم‌بندی.

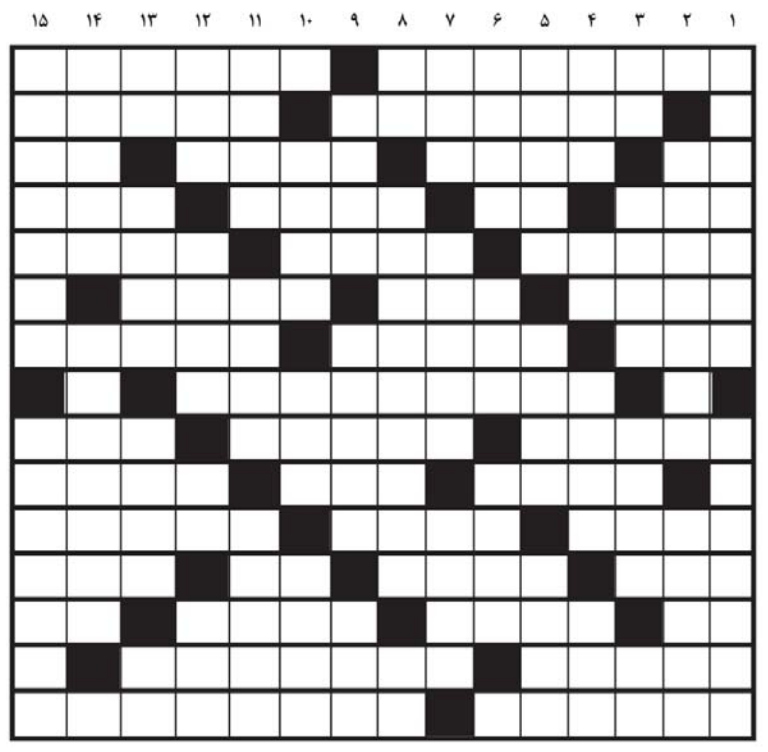

حل سودوکو سخت

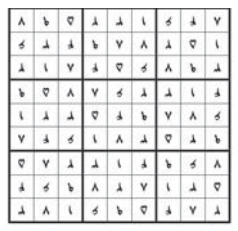

حل سودوکو ۹۰۰

۸	۲	۴	۷	۵	۱	۹	۳	۶
۹	۶	۳	۸	۲	۴	۱	۵	۷
۷	۱	۵	۹	۳	۶	۴	۸	۲
۵	۷	۲	۶	۱	۸	۳	۴	۹
۴	۳	۱	۲	۷	۹	۵	۶	۸
۶	۹	۸	۵	۴	۳	۷	۲	۱
۲	۵	۶	۴	۹	۷	۸	۱	۳
۱	۴	۹	۳	۸	۲	۶	۷	۵
۳	۸	۷	۱	۶	۵	۲	۹	۴

جدول ۱۸۹۷

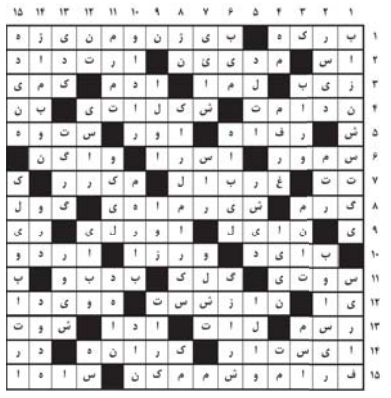

سودوکو سخت ۵۵۰

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲								
۵	۳				۷	۹		
			۴		۳			
	۲							
۶				۴				۱
			۲			۷	۵	۹
				۵		۸		
					۹		۳	۶
	۴		۱	۳				

سودوکو ۹۰۱

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

					۶			
۵			۷		۱		۹	۴
	۱					۳	۷	
۲		۴			۷	۹		
۳	۸	۹	۶		۴	۷	۱	۵
۶		۱			۸	۴		
	۲	۵		۷			۶	
۸					۵			
				۱		۵		۹